علی مرادخانی معاون هنری وزارت ارشاد در گفت‌وگو با «شرق»:

زیرزمینی‌ها را روی زمین می‌آوریم

فرزانه ابراهیم زاده

علی مرادخانی، زمانی که اتاق معاونت هنری را در خیابان استاد شهریار از حمید شاه‌آبادی تحویل گرفت؛ به جای غریبه‌ای وارد نشده بود. در کمتر از هشت‌سال پیش او در دفتری چندمتر آن‌طرف‌تر در خیابان ادوارد براون مدیریت مرکز موسیقی را داشت. او تنها معاونی بود که برخلاف دو همکار دیگرش یعنی حجت‌الله ایوبی و سید عباس صالحی برای معرفی خودش به هنرمندان احتیاجی به نشان‌دادن رزومه کاری‌اش نداشت. نه‌تنها عملکردش در مرکز موسیقی که تلاشش برای راه‌اندازی و ثبت موزه موسیقی کافی بود تا حضورش به جای معاون دولت دهم با استقبال هنرمندان روبه‌رو شود؛ استقبالی که انتظاراتی را هم در پی دارد. با این همه مرادخانی در صدروز گذشته بدون هیچ اقدام عملی و مصاحبه بلند سعی کرد در محافل مختلف هنری حاضر شود و با هنرمندان دیدار کند؛ دیداری که می‌گوید بیشتر به خاطر مشورت با اهل هنر درباره وضعیت هنری و ترسیم فضایی است که پیش‌روی او و هنرمندان است. گفت‌وگو با مرادخانی در یک روز بارانی آذرماه در دفتر معاونت هنری در کنار تالار وحدت انجام شد؛ دفتری که در هشت‌سال گذشته مدتی محمدحسین ایمانی‌خوشخو و بعد از آن حمید شاه‌آبادی در آن مستقر بودند حالا با طراحی جدید شکل و شمایل تازه‌ای یافته بود. طراحی‌ای که مرادخانی می‌گوید در عین مینی‌مالیستی گزینش شده و مانند برنامه‌هایش براساس استفاده از امکانات موجود است. او که در آستانه امضای حکم مدیران‌کل تازه برای مرکز هنرهای نمایشی موسیقی و تجسمی بود، گفت: «با توجه به وضعیت موجود و بودجه‌ای که پیش روی او است قصد دارد ابتدا وضعیت را به نقطه صفر برساند و بعد دست به برنامه‌ریزی برای ارتقای وضعیت هنری بزند.» مرادخانی همچنین درباره ممنوع‌الکارها و هنرمندان زیرزمینی قول داد تا موضوع را حل کند.

عکس: عباس کوثری، شرق

علی مرادخانی خلاف همتایانش در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به آرامی حرکت کرد. مثل حجت‌الله ایوبی، گازانبری عمل نکرد که در چند روز کل سیستم سینما را متحول کند و نه مثل معاون فرهنگی که در بدو ورود با چندین اظهارنظر مهم درباره حوزه عملکردش تکلیفش را در ماه‌های آینده روشن کند. به نظر می‌رسد شما بیشتر از سایر همکارانتان اوضاع را سبک و سنگین کرده‌اید. چه زمانی قرار است روند تغییرات در خیابان شهریار سرعت بگیرد؟

خوشم می‌آید که همه خبرنگاران اولین سوالی که می‌پرسند درباره روند تغییرات است.

البته منظور من فقط تغییر مدیران نیست. تغییر سیاست‌های معاونت هنری هم هست.

بله. این نکته درستی است. ما در روند تغییرات برنامه‌ای هیچ کندی نداشتیم. در این حوزه باید هر موضوعی را از زوایای مختلف نگاه می‌کردیم. مشکل ما در معاونت هنری این بود که سال‌ها در اینجا بودیم. اگر من قبلا اینجا نبودم شاید روند تغییرات با سرعت بیشتری اتفاق می‌افتاد. ما با افراد زیادی از حوزه هنر صحبت کردیم. طیف وسیعی از هنرمندان در این زمان نظرات مختلفی را به ما ارایه دادند. خیلی علاقه‌مند به شنیدن حرف‌های هنرمندان هستم. در حوزه تئاتر با خیلی از افراد دست‌اندرکار صحبت کردم، هم با آنهایی که در حال کار کردن هستند و هم با بزرگان تئاتر. به خیلی از این افراد پیشنهاد دادیم که بیایند و همکاری کنند. حتی با افرادی که در بدنه تئاتر هستند مذاکره کردیم تا به جمع‌بندی برسیم و برنامه‌ریزی کنیم. پیشنهادهایی هم داشتیم که افرادی، برخی دوستان را معرفی می‌کردند تا بیایند و مسوولیت‌ها را بپذیرند. واقعیت این است که مسوولیت‌پذیرفتن، کار سختی است. خیلی از کسانی که شما معتقدید می‌توانند کاری را انجام دهند مسوولیت را سخت می‌پذیرند. البته در این میان افرادی هم هستند که دوست دارند بیایند و مسوولیت‌هایی را بگیرند اما نمی‌توان این وظیفه را بر گردنشان گذاشت. برنامه‌ها را هم باید منطبق با توانمان هماهنگ کرد؛ مثلا زمانی که قرار است به دلیل سیاست‌های پولی سیستم انقباضی حاکم باشد مدیریت خودش را می‌طلبد. اگر سیاست متفاوتی باشد آن هم مدیریت خودش را می‌طلبد. زمانی هست که در یک فعالیت عمرانی مدیریت نگهداری برایت مهم است. زمانی مدیریت توسعه و ایجاد، اولویت دارد. برای مدیریت ایجاد باید آدم‌هایی را بگذاری که بتوانند پیش بروند و حرکت کنند. ما در حوزه هنر اولویتمان سیاست‌های خودمان است که بررسی می‌کنیم. هر مدیری که جایی وارد می‌شود تعدادی افراد را تغییر می‌دهد. خب! این نشان می‌دهد این مدیر کسانی را که پیش از او بودند، قبول ندارد. من با چنین تفکری وارد این سیستم نشدم که وقتی وارد جایی شوم همه افراد را تغییر دهم. همه افرادی که هستند براساس نوعی نگاه انتخاب شده‌اند که در آن زمان، براساس نوع نگاه و توسعه یک دلایلی داشته باشد.

در مصاحبه‌های متعددی که داشتید، اعلام کردید معاونت هنری را با بدهی ۱۳میلیاردی تحویل گرفتید، آماری که ظاهرا به مذاق مدیران قبلی ارشاد خوش نیامد و اول حمید شاه‌آبادی، معاون هنری سابق و بعد از آن حسینی، وزیر ارشاد دولت دهم واکنش نشان دادند و گفتند که چنین بدهی وجود نداشته است. آیا قصد ندارید اسناد این بدهی منتشر شود و از خودتان دفاع کنید؟

شما به یک نکته مهم توجه کنید؛ صحبت من اصلا مخاطب نداشت. آقای شاه‌آبادی از دوستان من هستند و زمانی که ایشان در معاونت هنری بودند زحمتشان را کشیدند. از اینکه این موضوع را اعلام کردم منظورم به ایشان یا هر کس دیگری نبود. می‌خواستم وضعیت موجود را مشخص کنم. شما وقتی می‌خواهید در مسیر برنامه‌ریزی حرکت کنید، داده‌های مختلفی دارید. یکی از داده‌ها، جایگاهی است که به‌لحاظ اجرایی دارید. مهم‌ترین موضوع هم مشخص کردن وضعیت اقتصادی است. پیش از برنامه‌ریزی، محور مختصات کشیدم و اعلام کردم که جایگاهم در این بخش است. قصد دارم از این نقطه حرکت کنم. همانجا هم گفتم باید به یک نقطه سر به سر برسم و بعد از آن برنامه‌ریزی کنم. در روزنامه‌ها هم به اشتباه نوشتند که این خواست آقای وزیر بوده است. در حالی که من به آقای وزیر گفتم که بعد از دو سال سعی می‌کنم به نقطه سر به سر نزدیک شوم تا از آنجا تازه به سمت نقطه مطلوب برویم. برگردیم به سوال شما. بخشی از این کسری بودجه به مسایل زیرساختی برمی‌گردد. شما هر چقدر هم که بودجه بگیرید و در این بخش سرمایه‌گذاری کنید باز هم هزینه می‌شود. اینجا چند مطلب وجود دارد. مهم‌ترین آن، این است که ما چقدر باید تعهد کنیم؟ الان از استان‌ها به من مراجعه می‌کنند و می‌گویند که فعالیت‌های عمرانی انجام داده‌اند و مبلغی را باید به ما بدهید. این هزینه‌ها سر جمع، مبلغی می‌شود که ما به عنوان معاونت هنری باید پرداخت کنیم. خب این موضوع جزو تعهدات می‌شود و باید پرداخت شود.

یعنی دومیلیاردی که آقایان حسینی و شاه‌آبادی می‌گویند شامل هزینه‌های این طرح‌ها نیست و کسری بودجه است؟

مساله این نیست. من با عدد و رقمی که اعلام می‌کنند کاری ندارم. این اعدادی که ما استخراج کردیم از سیستم خودشان بوده است. شما با مجموعه متولیان مالی ما باید صحبت کنید. من یک جمع‌بندی برای نشان دادن جایگاهم دارم. برای مثال باید بدهی‌های ارکستر سمفونیک را پرداخت کنیم. داریم حق سنوات برخی کسانی را که در ارکستر هستند، پرداخت کنیم. اینها تعهدی است که باید بپردازیم. از روزی که من آمدم حدود ۱۳۰میلیون‌تومان پرداخت شده‌است. مگر میلیارد چقدر است؟ یکجا ۴۵۰میلیون‌تومان، یکجا ۱۶۰میلیون‌تومان و... . روی‌هم به یک عدد می‌رسید که از میلیارد بالاتر می‌رود. من خیلی خوشحال می‌شوم با توجه به مناقشه‌ای که وجود دارد مدیران سیستم جمع شوند و ثابت کنند که بدهی نداریم. اگر این اتفاق بیفتد جشن می‌گیرم. چون بدهی، سیستم را فلج می‌کند و سایه‌اش روی همه فعالیت‌های شما می‌افتد.

معاونت هنری از زمانی که ما به عنوان خبرنگار یادمان است با کسری بودجه روبه‌رو بوده است؛ مثلا در تئاتر که گفته می‌شود همین الان هم حجم بالایی از هزینه‌ها در آنجا کسر آمده همیشه بدهی‌های سنگین وجود داشته است. حوزه تجسمی همیشه کمترین سهم را از کسری بودجه داشته و موسیقی هم گستردگی تئاتر را ندارد. دوره‌هایی بود که معوقه‌های دو سال پیش هم پرداخت نشده بود.

بدهی‌ها همین‌هاست. بالاخره همه کسانی که در این حوزه کار می‌کنند وقوف نسبی نسبت به کار دارند مثلا شورای حمایت داریم. من به مدیرکل گفتم سعی کنید تعهد ایجاد نکنید. ما باید تعریفی را به شما و هنرمندان بدهیم. آن هم این است که در دولت یکسری قواعدی وجود دارد. الان دولت ابلاغ می‌کند که ایجاد تعهد می‌تواند به یک عمل خلاف قانون تبدیل شود. اگر شما زمانی که در حسابتان پول ندارید چک بکشید مسوول هستید و باید جوابگو باشید. این را در یک سطح بالاتری ببرید. در حوزه معاونت، وقتی امکانی وجود ندارد نباید تعهدی ایجاد کرد. من گفتم در شورای حمایت خوشحالیم که حمایت بیشتری در تئاتر انجام دهیم. این هزینه دارد. اگر من بگویم شما این کار را انجام دهید ما هم حمایت می‌کنیم، وقتی ما به ازای مالی آن وجود ندارد این خلاف است. چند روز پیش آقای فراهانی با من تماس گرفت و گفت من با شما قرارداد دارم و قسط اولش را بدهید. ما در سیستم، پول نداشتیم. همه این قسط هم ۱۲میلیون‌تومان بود. من به دوستانم گفتم این ۱۲میلیون‌تومان را فراهم کنید. گفتند ۱۰میلیون در حسابمان بیشتر نیست. اما درستش می‌کنیم. در این شرایط صلاح نیست که تعهدات جدیدی بیفزاییم. هنرمند باید کارش را تولید کند، به این موضوعات که کاری ندارد. ما می‌گوییم می‌شود که ما هم حمایت کنیم. اما زمانی که چنین معذوراتی وجود دارد باید بگذاریم که از این معذورات عبور کرده و بعد شروع کنیم به درست انجام دادن کارها. البته بیکار نمی‌نشینیم. شروع کردیم که از راه‌های دیگری برای کمک به هنرمندان اقدام کنیم. کارمان را هم شروع کرده‌ایم. باید از این شرایط به سرعت عبور کنیم.

با وضعیت بودجه‌ای که شما تصویر کردید در آینده نزدیک سه‌جشنواره مهم را پیش‌رو دارید که هر سه هزینه‌های سرسام‌آوری دارند و جزو تعهداتی هستند که معاونت هنری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید آنها را به ثمر برساند. این جدا از تعهداتی است که دولت قبل برای شما گذاشته است؟

این واقعیت وجود دارد که ما با بودجه اندکی که داریم جشنواره‌ها را پیش‌رو داریم. نکته مهم این است که شما نمی‌توانید به خاطر مشکل مالی که دارید از فعالیت‌های مشخص غافل شوید. همچنین انتظار از این جشنواره‌ها بسیار بالاست. ممکن است خیلی‌ها در شرایط انقباضی پیشنهاد دهند سرسری جشنواره را برگزار کنیم که فقط برگزار کرده باشیم و متوقف نشود اما همین الان می‌بینیم که انتظار از این جشنواره‌ها کم نیست. در همین زمان کوتاه این خواسته هست که جشنواره‌ای را با استاندارد بالا و حضور افراد صاحب‌نام اجرا کنیم. تقاضا، امکانات و وضعیت فعلی هیچ‌کدام با یکدیگر تجانس ندارد.

پس چه راهی پیش‌روی شماست؟

ما در این موقعیت قرار گرفتیم و ناچاریم صبر کنیم ببینیم که چه اتفاقی می‌افتد. اینجاست که برنامه‌ریز باید دقت بیشتری داشته باشد. شما وارد جایی می‌شوید که امکانات بسیار عالی با پرسنل متخصص دارد. کاری که باید انجام دهید یکسری تغییرات جزیی است و بعد کار آغاز می‌شود. مثل یک کارخانه تولید خودرو که با تغییرات کم کار آغاز می‌شود. این تغییرات هم برای بهینه‌شدن کیفیت است اما اینجا تفاوت می‌کند.

> **وقتی هنرمندانی که تا چند وقت پیش تک‌تک حرف‌هایشان را می‌زدند، کنار هم جمع شدند و با هم خواسته‌ای را مطرح کردند، اتفاق مبارکی است و به لحاظ شناخت اجتماعی، ما را به یک همگرایی نزدیک می‌کند اما تغییراتی که شوک به سیستم وارد کند خیلی نمی‌تواند ما را به جای درستی برساند**

این درست که شما با توجه به وضعیت و امکانات معاونت جشنواره‌ها را تحویل گرفتید و باید آن را پیش ببرید. جدا از بحث مالی که چالش مهم است دولت جدید با تفکر جدید وارد میدان شده است اما مدیران جشنواره‌ها هم از قبل مشخص شده بودند و با اهداف آن دولت گزینش شدند و همان برنامه‌های قبلی را پیش خواهند برد. به‌نظر نمی‌رسد تصمیمی برای تغییر این نگاه بر جشنواره داشته باشید، مثلا در حوزه تجسمی، چند روز پیش با وجود اینکه هنرمندان تجسمی نامه نوشتند و خواستار کم شدن ممیزی در این حوزه شدند؛ با استعفای عباس میرهاشمی موافقت نکردید.

چند موضوع اینجا مطرح است. شما جشنواره‌ای دارید که روند خودش را دارد. از سوی دیگر مدیری باید باشد که این جشنواره را پیش ببرد. زمان کافی هم برای آن ندارید. زمانی که ۲۰روز وقت دارید تا برنامه‌ریزی جشنواره را انجام دهید، در این مدت چقدر می‌توانید تغییرات را دنبال کنید؟ مدیر امور تجسمی به زودی معرفی خواهد شد و او حتما وارد جریان کار می‌شود. الان شرایطی را نداریم که بخواهیم همه چیز را از بنیان درست کنیم. به دلیل بررسی بنیانی قضیه هم باید برخی افراد را نگه‌داریم. به همین دلیل از من سوال می‌کردند که تصمیم دارید امسال جشنواره را برگزار نکنید؟ گفتم که به تعطیلی جشنواره به این معنا فکر نمی‌کنم. ممکن است خیلی از ابعادش برایم روشن نباشد، ممکن است بخواهیم خیلی کارها را انجام دهیم اما قرار نیست که آن را تعطیل کنیم. فشار به هنرمندان منجر شده که نامه‌ای به وزیر بنویسند و گله کنند. من از این کار استقبال می‌کنم. وقتی هنرمندانی که تا چند وقت پیش تک‌تک حرف‌هایشان را می‌زدند، کنار هم جمع شدند و با هم خواسته‌ای را مطرح کردند، اتفاق مبارکی است و به لحاظ شناخت اجتماعی، ما را به یک همگرایی نزدیک می‌کند اما تغییراتی که شوک به سیستم وارد کند خیلی نمی‌تواند ما را به جای درستی برساند. هرچند ممکن است در اینجا به یکسری انحراف معیار هم به لحاظ کارکردی برسیم اما آن را باید پذیرفت.

استنباط من این است که شما می‌خواهید با شرایط موجود جشنواره‌ها را برگزار کنید و اگر هم قرار است برنامه‌ریزی کنید در جشنواره‌های آینده اتفاق خواهد افتاد؟

این درست است اما سعی می‌کنم در همین امسال هم در جهت بهبود وضعیت قدم برداریم چون جشنواره مجموعه‌ای از اتفاقات و رفتارها در بین هنرمندان، مدیران و آثار است. مدیران یک رفتار دارند و هنرمندان متاثر از آنها تغییر وضعیت می‌دهند و نتیجه آن خلق یک تعداد اثر خواهد بود. این در همه جشنواره‌ها هم هست. حالا ما در اینجا یکسری تغییرات در نوع رفتار و کارهایی که داریم، انجام می‌دهیم. این تاثیر روی هنرمندان است و شاید روی آثار هم نمود داشته باشد. این خودش به قول شما یک Case Study هم است.

در چهارسال گذشته معاونت هنری وارد جزییات امور هنری هم شد و برخلاف چارت اداری خودش و آنچه در قانون است حتی در مورد ممیزی کارهای خاص هم اظهارنظر کرد؛ اتفاقاتی که خیلی خوشایند نبود. آیا قرار است شما معاونت هنری را به دوره‌ای که وظیفه‌اش حوزه ستادی و نظارت بر امور هنری بود، برگردانید و زیرمجموعه‌ها کارهایشان را فارغ از دخالت معاون انجام دهند یا به شیوه چهارسال گذشته قصد دارید وارد امور جزیی هم شوید؟

به معنای مطلق، موضوعی که گفتید یک بحث است و به معنای کاربردی، یک بحث دیگر. به معنای مطلق، معاونت هنری همان‌گونه که گفتید یک مجموعه ستادی برنامه‌ریز، سیاست‌گذار و ناظر است و خیلی از مسایل نباید وارد شود. در مباحث سخت‌افزاری کمک‌کننده خواهد بود. در حقیقت دولت باید به جایی برسد که تنها نظارت کند و بخش خصوصی خودش اداره امور را به دست بگیرد. این امر کمک می‌کند معاونت هنری وارد اجراییات جزیی و تصدی‌گری نشود. البته سخت است. در جایی که همیشه دولت متولی کارها بوده و این تربیت در همه ابعاد به‌وجود آمده که دولت باید کمک کند کار سختی است. الان خیلی از اهالی تئاتر معتقدند دولت موظف است پول فراهم و کمک کند و سوبسید دهد تا تئاتر اجرا شود. بخشی از آن را قبول دارم و درباره بخشی دیگر حرف دارم. باید شرایط کار کردن را درست کنیم.

حرف شما را قبول دارم که توقع هست که دولت سوبسید دهد تا تئاتر اجرا شود. اما از سمت دیگر هنرمندان می‌گویند که ما قبول می‌کنیم با هزینه بخش خصوصی تئاتر اجرا کنیم. قوانین و ضوابط را هم خوب می‌دانیم اما دولت دارد نظارت می‌کند. هم نظارت و هم ارزشیابی که وظیفه شماست و حتی هم مانع کار هنرمندان حتی در بخش خصوصی می‌شود. این خیلی تناقض‌برانگیز است. دولت هم می‌خواهد سوبسید ندهد و هم نظارت شدید کند.

اینجا داوری کردید. نظارت شدید را موافق نیستم.

این اتفاقی است که در این سال‌ها در تئاتر افتاده است.

من با آنها کار ندارم. الان دارم برنامه‌های خودم را تشریح می‌کنم. در دوره‌های قبل هرچه بوده خروجی‌اش را در این زمان خاص شاهد هستیم. بالاخره این نقطه‌ای که ایستادیم نتیجه کارکرد نه‌تنها دو دوره قبل بلکه همه دوره‌های پشت‌سر ماست اما ما این سوال را داریم که آیا این نقطه، نقطه مطلوب ماست؟ ۲۰سال پیش که داشتیم برای تئاتر برنامه‌ریزی می‌کردیم اینجا را می‌دیدیم؟ اگر هست چرا و اگر نیست چرا؟ به اعتقاد من نقطه مطلوب جایی است که تئاتر خودش برنامه‌ریزی و با شناخت خطوط قرمز خود حرکت کند تا بدون اینکه کسی هر روز بازبینی کند، خودش با بلوغی پیش برود.

خب. این اتفاقی است که در برخی سالن‌های خصوصی می‌افتد مثل سالن شمس و به‌گونه‌ای تماشاخانه ایرانشهر که خودشان سعی می‌کنند بدون کمک دولت پیش بروند. اما بحث نظارت، دست هنرمندان را برای این بلوغی که می‌گویید بسته است.

قرار است صریح صحبت کنیم. بحث نظارت بحثی است که نمی‌توان به آسانی از آن گذشت. اگر بگوییم نظارت نباشد، خود هنرمندان دچار دردسر می‌شوند.

من نگفتم نظارت نباشد. بحثم نظارت سلیقه‌ای و فراتر از قانون است. در دوره‌ای نمایشی روی صحنه می‌آید بدون هیچ ممیزی و دخالتی. سال ۹۰ همین نمایش را از صحنه پایین می‌کشند. نمایشی براساس کتابی که مجوز رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را دارد با هزینه‌های زیادی ساخته می‌شود و مجوز اجرا به دلیل ۹۰ مورد ممیزی و حذف شخصیت اصلی نمی‌گیرد. این سلیقه است.

می‌خواهم با ادبیات دیگری با هم صحبت کنیم و بیشتر وارد این موضوعات شویم. ما باید تعاریف خودمان را یکی کنیم و به تعریفی استاندارد برسیم. تعریف شما از نظارت سلیقه‌ای استاندارد نیست. مثل تعریف من که کامل نیست. استاندارد کردن تعاریف، کار مهمی است. اما در کشور ما در مباحث فرهنگی نگاه‌های زیادی وجود دارد. فکر می‌کنم باید جوری عمل کنیم که ضمن اینکه دخالت‌ها را کمتر کنیم دانش کلی خودمان را آنقدر بالا ببریم که یک اعتماد اساسی ایجاد شود هم از سوی هنرمندان و هم از سوی حوزه حکومتی. مشکل اینجاست کسی که در میانه ایستاده مورد اعتماد یک طرف باشد و طرف مقابل او را قبول نداشته باشد. به همین دلیل هر کسی تعدادی از افراد مورد اعتماد خودش را وارد سیستم می‌کند و هرج‌ومرج می‌شود.

معضل بزرگ تئاتر در این روزها بی‌تردید وضعیت تئاتر شهر است. فکر می‌کنم از حالت اضطرار خارج شده و به فاجعه نزدیک است. بخشی از آن به وضعیت ساختمان و آسیب‌های این چند سال بر می‌گردد اما بخش عمده‌اش اتفاقاتی است که شهرداری به وجود آورده.

این اتفاقات خیلی هم موثر هست.

دقیقا. جالب است که در دولت قبلی آمدند و جلوی یکسری از ساخت و سازها را گرفتند. شهرداری هم یکسری تعهدات داد که به آنها عمل نکرد. مثل هواکش مترو که قرار بود ساخته نشود و همین حالا هواکش مترو هم در کنار ورودی زیر گذر مترو سبز شده است.

شما فکر می‌کنید می‌توانم هواکش مترو را خراب کنم؟ ببینید وظیفه ما چیست؟ وظیفه ما این است بخش‌هایی را که از هم دور می‌افتند، به‌هم نزدیک کنیم. مسوولانی را که با هم گفت‌وگویی نمی‌کنند، باید سر میز بنشانیم که اتفاقا کاملا همتراز همدیگر باشند.

همه می‌دانیم که شما با شهرداری و شخص شهردار تهران نزدیک هستید و روابط خوبی دارید. نمی‌توانستید در این مدت با توجه به این نزدیکی این مشکل را رفع کنید؟

همین کار را داریم انجام می‌دهیم.

ادامه در صفحه ۹

از نگاه هنرمند

در انتظار مدیران کل معاونت هنری

نصرالله افجه‌ای
خوشنویس

من به واسطه اخبار و آنچه در محافل مختلف بازگو می‌شود از تصمیم‌ها و سیاست‌های دولت به‌خصوص در حوزه معاونت هنری مطلع می‌شوم. از شواهد برمی‌آید که در حوزه معاونت سینمایی تحرکاتی ایجاد شده است. خوشحالم که معاونت سینمایی سروسامان گرفت و فردی مانند آقای ایوبی به این سمت منصوب شد چون مدیری دانا و خوشنام است. در مورد عملکرد حوزه معاونت هنری با وجود آنکه انتصاب علی مرادخانی به این سمت را دلگرم‌کننده می‌دانم اما از آنجا که هنوز مدیران زیرمجموعه این نهاد از جمله مرکز هنرهای تجسمی مشخص نشده‌اند، نمی‌توان قضاوت زیادی کرد. در واقع باید منتظر بمانیم ببینیم چه کسی مدیر تجسمی می‌شود؛ هر چند من خوشبین هستم و امیدوارم کاستی‌ها ترمیم شوند. در مجموع کارهایی که تاکنون در این صدروز صورت گرفته بد نبوده و یک دوره آرام را پشت‌سر گذاشته‌ایم. در این میان یکی از موضوع‌هایی که باید درنظر بگیریم این است که با روی کار آمدن هر دولت جدید، شماری از مدیران با سیاست‌های جدید روی کار می‌آیند که کارشان را از نو از سر می‌گیرند، به همین دلیل مدتی زمان می‌برد تا هر مدیری بتواند برنامه‌ها و سیاست‌های جدید خود را بررسی و عملی کند. در کشورهای توسعه‌یافته برنامه‌ریزی‌های بلندمدتی وجود دارد که با تغییر مدیران و دولت‌ها این برنامه‌ها پابرجا می‌ماند و تغییر نمی‌کند. در کشور ما هم باید چنین موضوعی جدی گرفته شود و برنامه‌های بلندمدتی داشته باشیم که با تغییر دولتمردان عوض نشود. اکنون سیستم درحال ترمیم بدنه خود است تا سیاست‌های جدید اعمال شود اما برخی مشکلات از دوره قبل باقی مانده‌اند که همین مسایل کارکرد دولت جدید را کند می‌کند. به‌عنوان مثال یارانه الان به معضلی بزرگ تبدیل شده چراکه قطع کردن یا ادامه پرداخت آن با مسایلی همراه است و بازنگری این موضوع نیز وقت‌گیر است. برنامه‌ریزی‌ها در جامعه هنری نیز به همین منوال است. سیاست‌های هنری نیاز به ساماندهی دارند و باید اصلاحات وسیعی صورت بگیرد. هنرمندان ما در عرصه‌های مختلف نیاز به اشتغال دارند چون هنرمندی که ۵۰-۶۰ سال تلاش کرده است، الان باید نتیجه کارش را بگیرد درحالی که الان وضعیت فروش آثار با فراز و نشیب همراه است.

تماشاخانه

تبدیل کارگاه آهنگری به پلاتو تجربه

تولد یک پلاتو نیمه‌کاره با نمایش «بین خودمان باشد» همراه شد؛ پلاتویی که کنار تالار حافظ در خیابان استاد شهریار در روزهای پاییزی امسال شروع به کار کرد. آروند دشت‌آرای از آغاز فعالیت پلاتو تجربه با نمایش «بین خودمان باشد» خبر داد و گفت: این نمایش حاصل برگزاری کارگاهی با حضور علاقه‌مندان به تئاتر است که منجر به تشکیل گروه «نقطه ویرگول» نیز شد. دشت‌آرای، کارگردان تئاتر و سرپرست گروه تئاتر ویرگول در گفت‌وگو با «شرق» درخصوص اجرای تئاترش در پلاتو تجربه گفت: این سالن با این اجرا افتتاح رسمی نمی‌شود، چون امکانات فنی سالن هنوز کامل نشده است. نمایش ما نیازی به نور، صدا و امکانات خاصی ندارد، به این دلیل ما این امکان را داشتیم که «بین خودمان باشد» را در این سالن اجرا برویم. وی درباره روند ساخت این سالن ادامه داد: این پلاتو قبلا کارگاه آهنگرانی بوده که با پیشنهاد و پیگیری ایوب آقاخانی، به همت سیفی، مدیرعامل وقت، ضیعمی، رییس تالار وحدت و بچه‌های بنیاد اکنون به سالن تئاتر خوبی تبدیل شده است که حاصل آن را می‌بینیم. همچنین سرپرست گروه تئاتر ویرگول درباره افتتاح پلاتو گفت: پس از تکمیل امکانات نور و صدا این سالن افتتاح رسمی خواهد شد. نمایش «بین خودمان باشد» هرشب به‌جز شنبه‌ها ساعت ۱۹:۰۰ در پلاتو تجربه تالار حافظ روی صحنه می‌رود.

روزنه آبی

نگاهی به نمایش «بیچاره مکبث» به نویسندگی و کارگردانی پیام عزیزی

چیره‌شدن تصویر بر کلام

رضا آشفته

درنگ‌کردن درباره متون نمایشی قدیمی خود فتح‌بابی است برای آفرینش متون تازه‌تر و اجراهای به‌روز، حالا نامش را هم دراماتورژی می‌گذارند و در این سال‌ها در ایران خود ما بارهاوبارها ویلیام شکسپیر این فرصت سبز را در اختیار نمایشنامه‌نویسان ما قرار داده که خود را محک بزنند. این‌بار پیام عزیزی است تا بر اساس مکبث او بتواند بیچاره مکبثش را در فضایی متفاوت و غیرمتعارف و هنجارگریز طراحی کند. یعنی به عبارتی، برداشتی از آن متن شده تا ما با اجرایی کم‌کلام و پرتصویر مواجه شویم. مواجهه‌ای که ما را دچار شور و شعف می‌کند چرا که در آن خلاقیت حضور دارد. خلاقیتی به قاعده که کلام را به شکل موجزتر در اختیار دارد تا بتواند با تصویر این متن را به اجرایی درخورتامل‌تر تبدیل کند.

در اینجا یادآور می‌شویم که این نوع دراماتورژی باعث شده که فضا شکل و شمایل نمادین و استعاریک به خود بگیرد و از سوی دیگر بر بار تصویری و ایهام آن نیز افزوده شود. شاید این خود دلیل مبرهنی است برای غامض و بغرنج‌ترشدن متن و اجرا. یعنی از تعداد مخاطبان این اجرا خواه‌ناخواه به اعتبار غیرمستقل‌شدن متن اصلی ویلیام شکسپیر کاسته شده است. بنابراین این حرکت اثر را با ریزش مخاطب عام مواجه می‌کند اما از آن‌سو یک نگاه نو و امروزی‌تر را سوار بر ماجراها خواهد کرد. این رویکرد مخاطب خاص را به مکاشفه‌ای تازه‌تر از مکبث رهنمون خواهد کرد. به‌خصوص در ایران ما که عادت بر کلام نسبت به بیان تصویری فراگیر است و این نوع درام‌های نو پیشنهاد تازه‌ای برای ایجاد تحول در مواجهه با آثار نمایشی است. به همین دلیل هم این گروه‌ها با اقبال اولیه و فراگیر روبه‌رو نخواهند شد مگر اینکه با پیگیری گروه‌ها و حمایت‌های لازم برای تولید و ارایه چنین آثاری، در درازمدت شاهد ایجاد مخاطبان زیادی برای دیدن این نوع نمایش‌ها باشیم. با آنکه تئاتر در کشور ما دارای مخاطبان خاص است اما متاسفانه همین مخاطبان هم ترجیحا دوست دارند نمایش کلام‌محور و دارای قصه را تماشا کنند. در حالی که در غرب اجراهای تصویری و به‌اصطلاح متکی بر بیان بدنی ارجحیت دارد بر نمایش‌های کلام‌محور. البته اینها عادات فرهنگی است چراکه ما فرهنگ شفاهی داریم و دوست داریم که راویان و قصه‌گویان هرچه‌زودتر با صراحت لب کلام را در اختیارمان بگذارند. اما در غرب چالش‌های فکری و جنس مواجهه طوری است که گاهی کلام و گاهی تصویر رکن و مبنای انتخاب یک درام و پردازش و اجرایش خواهد شد. ناگفته نماند که ما در ایران هستیم و به اعتبار این سخن می‌شود چند و چون کرد که نمایش «بیچاره مکبث» اگر مخاطب عام ندارد اما در ایجاد فضای نو پیشنهاددهنده‌ای است که ما را برای رسیدن به فضاهای نوتر ترغیب می‌کند. به تعبیر بهتر، در این گیرودار برخی از گروه‌ها طلیعه‌دار اتفاقات نو و نوآوری در جریان‌های هنری خواهند بود. پس این خود به دلایلی یک ضرورت فرهنگی است و مدار پیرامونی آن در صورت استقرار وضعیتی درست و بسامان به‌نتایج بارزی نیز سوق می‌یابد.

به هر طریق این نوعی تغییر ذایقه است و چون به‌طور مرتب و دنباله‌دار پیش نیامده است، هنوز تبدیل به جریانی غالب یا حتی جریان معمول در تئاتر ما هم نشده است. در حالی‌که باید خواه‌ناخواه به این سمت برویم و گرنه فضای تئاتر هم شباهت زیادی به تلویزیون و سینمای سهل و کلام‌محور پیدا می‌کند. در حالی‌که بیان تصویری یا زبان بدنی الگوهایی کارآمد برای پرداختن به تئاتری جهانشمول است. در اینجا بحث زبان و ملیت تقریبا به کنار نهاده می‌شود و تئاتر با استقلال و موجودیت قائم‌به‌ذاتش بر صحنه حکومت خواهد کرد.

بیچاره مکبث با آنکه در نگاه اول از قدرت پذیرندگی و جذابیت و گیرایی لازم برخوردار است اما از آنچه که مسیر کامل متن ویلیام شکسپیر را طی نمی‌کند، شاید با کمبودهایی هم همراه شده باشد. این خود روندی است که ما را از تاثرپذیری بالا باز خواهد داشت. اما در کل به ارتباط لازم خواهد رسید. بالاخره خط اصلی پیرنگ نمایش دچار تغییر و تحولاتی هم شده و از همه مهم‌تر آن شکل کلی اجراست که شاید زمینه‌ساز این تغییرات هم شده باشد. اینکه بازیگر حضور زنده و رودررو ندارد و از طریق یک پارچه سفید و برخی ابزارها مانند شال و روسری و کلاه و چراغ قوه به بیان نمایش و ارتباط با مخاطب می‌رسد، گویای مطلب تازه‌ای است. شاید روند تصویری و بی‌کلام شدن ماهیت اجرا را به سمت ایجاز برده باشد اما باز هم می‌شد برخی لحظات را در این اجرا هم حفظ کرد تا پیکره‌ای قرص و محکم همانند اثر شکسپیر در بیچاره مکبث هم ملاحظه می‌شد! ایده پارچه سفید برای این گروه و نوآورانه است و این امتیازی با دوام برای پذیرش این اجراست. چراغ قوه‌ها را سهیل پارسا، کارگردان ایرانی مقیم کانادا، پیش از این در اجرای مکبث در جشنواره فجر سال ۸۱ به کار برده است؛ چراغ قوه‌هایی که به جای شمشیر به‌کار گرفته می‌شود و بخش عمده‌ای از ماجرای جنگیدن‌ها و کشتن‌ها را پیش خواهد برد. در اجرای بیچاره مکبث هم کماکان کاربرد آنها بسیار پررنگ است. در صحنه جنگ مکبث و پیروزی‌اش، در صحنه کشتن پادشاه دانکن، صحنه کشتن بنکو و سر آخر حمله‌ورشدن مکداف برای گرفتن انتقام و کشتن مکبث از چراغ قوه به شکل درستی استفاده شده است. ایده کلاه‌ها و شال‌ها هم برای ایجاد شخصیت‌ها کاملا کارآمد است و می‌تواند بیچاره مکبث را با تصویرهای قابل‌پذیرشی مواجه کند.

به هر تقدیر چنین رویکردی که در آن تصویر بر کلام چیره است، برای تحول تئاتر لازم و ضروری است م